

ایشان وجود اختلاف سلیقه سیاسی و وزن متفاوت مذهبی را منافی کنار هم ایستادن برای دفاع از حقیقتی مشترک به نام دفاع از ایران عزیز و نظام اسلامی ندانستند و در بیان الزامات حفظ اتحاد ملی گفتند: تبیین و رفع مغالطات لازم است اما به میان کشیدن ایرادهای غیر لازم و بیحت درباره آنها و جنجال بر روی مسائل کوچک مضر است و حتی ابطال مغالطه باید به بهترین شکل انجام شود که مشکلی برای کشور ایجاد نشود.

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، اظهار وفاداری به نظام و تأیید و حمایت از سیاست‌های کلی را ضروری و مفید خواندند و افزودند: اما نباید اختلاف نظرهای موجود و این جناح و آن جناح کردن را که کاری مضراست غلیظ کرد.

رهبر انقلاب همچنین شور و هیجان عمومی مردم بخصوص جوانان را امری لازم و خوب خواندند و گفتند: اما بی صبری و پا به زمین کوبیدن و اعتراض به اینکه چرا فلان کار انجام نشد، مضر است. رهبر انقلاب در بیان آخرین توصیه، با تأکید بر استمرار فعالیت دستگاه‌های مسئول نظامی و دیپلماسی باقوت و با جهت‌گیری درست، گفتند: البته به جهت‌گیری‌ها باید توجه کنند چرا که بخصوص در عرصه دیپلماسی، جهت‌گیری بسیار مهم است و باید با مشورت و دقت، کار شود.

ایشان با اشاره به امکان اعتراض یک نفر به یک مسئول در قضیه‌ای نظامی یا دیپلماسی، افزودند: نمی‌گوییم اعتراض خود را مطرح نکنند اما اعتراض و انتقاد باید با لحن قابل قبول و پس از تحقیق و اطلاع‌یابی انجام شود چرا که گاهی برخی اظهارات و اعتراض‌هایی که در رسانه‌ها منعکس می‌شود، ناشی از بی‌اطلاعی است.

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای با تأکید بر اینکه مسئولان باید با قوت و روحیه کامل به کار خود ادامه دهند، گفتند: همه بدانند که خداوند نصرت خود را بر ملت ایران و ذیل نظام اسلامی و چتر قرآن و اسلام تضمین کرده و این ملت یقیناً پیروز خواهد شد.

رهبر انقلاب در این دیدار با قدردانی و رئیس و همه عناصر فعال قوه قضائیه، اقدامات انجام گرفته در این قوه را خوب و خرسندکننده خواندند و افزودند: البته همواره در کنار کارهای انجام‌شده باید به کارهای لازم اما انجام‌نشده نیز توجه و برای انجام آنها پیگیری کرد.

ایشان پیگیری حقوقی جنایات انجام گرفته در جنگ اخیر رژیم صهیونیستی را ضروری دانستند و گفتند: در قضایای قبلی نیز باید پیگیری حقوقی انجام می‌شد که کوتاهی‌هایی شد اما قوه قضائیه باید جنایات اخیر را از طریق دادگاه‌های بین‌المللی و داخلی به صورت جدی، دقت و هوشیاری کامل و ملاحظه همه جوانب پیگیری کند.

رهبر انقلاب با تأکید بر اینکه نتیجه همه سفرهای ما به قوه قضائیه باید در اعتماد مردم به آن متبلور شود، گفتند: بارها در دیدار مسئولان قضایی گفته‌ایم که باید به شکلی عمل کنیم که هر کس در هر گوشه کشور مورد ظلم و تعدی قرار گرفت، بداند مشکل او با مراجعه به دادگستری حل می‌شود.

ایشان لازمه دستیابی به این نقطه مطلوب را رسیدگی و مبارزه با فساد درون و بیرون از قوه قضائیه دانستند و افزودند: مبارزه با فساد باعث ایجاد امید و اعتماد در مردم می‌شود.

در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه در سخنانی، تأکید دشمن در دستیابی به اهداف خود را مرون هوشیاری مردم و فرماندهی رهبر معظم انقلاب دانست و گفت: برگ زرین دیگری به کتاب افتخارات ملی اضافه شد و همه دنیا نیز غیرقابل اعتماد بودن طرف‌های مقابل ما را مشاهده کردند.

رئیس قوه قضائیه، «به روزرسانی سند تحول و پیشرفت‌های خوب در تحقق اهداف «سند»، «تدارک اقدامات لازم برای اجرای قانون اسناد غیرمنفول، «تعامل بهتر با دستگاه‌های اجرایی برای نظارت بر حسن اجرای قوانین»، «کاهش زمان رسیدگی به دعاوی»، «افزایش حل و فصل اختلافات از طریق صلح و سازش»، «حضور فعال مسئولان قضایی در بین مردم و مساجد» و «ارائه بیش از دو میلیون مشاوره حقوقی رایگان به مردم» را از اقدامات برجسته سال گذشته دستگاه قضایی برشمرد و افزود: در خصوص اقامت حقوقی علیه جنایتکاران و رژیم خبیث صهیونیستی در دادگاه کیفری بین‌المللی، کاری مؤثر با همکاری وزارت امور خارجه و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در حال انجام است.



حسن بهشتی پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

توافق یک جانبه ناپایدار است



هنوز از مرز یک جنگ تمام‌عیار عبور نکرده‌ایم

هر توافقی که خواسته‌های حداکثری

یک جانبه را دنبال کند ناپایدار خواهد بود

گفته بود: «بازگشت به مسیر دیپلماسی و ازسگیری مذاکرات با ایران در راستای منافع ماست. ما آماده‌یم تا این روند را تسهیل کنیم. وی همچنین با اشاره به نزدیک شدن به موعد انتقضای مکانیسم ماشه در پرجام افزود که این موضوع در نشست شورای وزیران بررسی خواهد شد. این درحالی است که جمهوری اسلامی ایران درباره تبعات سوء استفاده از این سازوکار و بازگشت تحریم‌هایی که به واسطه توافق هسته‌ای سال ۱۳۹۴ لغو شده، به طرف‌های اروپایی هشدار داده است. با این وجود به نظر می‌رسد کشورهای اروپایی در آستانه فعال کردن مکانیسم ماشه علیه ایران هستند. «آرمان ملی» برای تحلیل و چرایی این موضوع و بررسی چشم‌انداز پیش‌رو با حسن بهشتی پور تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

آرمان ملی- احسان انصاری: وزیر خارجه فرانسه دوباره ایران را به فعال کردن مکانیسم ماشه تهدید کرد و گفت: «ما خواهان از سرگیری فعالیت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آغاز یک روند دیپلماتیک هستیم که به یک راه حل مذاکره‌شده و کنترل فعالیت‌های هسته‌ای، موشکی و بی‌ثبات‌کننده ایران منتهی شود.» ژان نوئل بارو با تکرار ادعاها درباره برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان افزود: «این یک واقعیت است، ایران تعهداتی را که پذیرفته بود، نقض کرده است. فرانسه و شرکایش، با توجه به توافق هسته‌ای ۱۰ سال پیش، حق دارند که تحریم‌های جهانی در حوزه تسلیحات، بانک‌ها و تجهیزات هسته‌ای را که در آن زمان لغو شده بودند، دوباره اعمال کنند.» پیشتر کایاکالاس مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپانیز به خبرنگاران

◀ **وزیر امور خارجه بار دیگر ایران را به فعال کردن مکانیسم ماشه تهدید کرد. با توجه به شرایط موجود به چه میزان این احتمال را می‌دهید که کشورهای اروپایی مکانیسم ماشه را فعال کنند؟**

شرایط بسیار پیچیده شده و هر احتمالی در این زمینه وجود دارد. کشورهای اروپایی برای اینکه بتوانند بهانه‌ای برای فعال کردن مکانیسم ماشه ایجاد کنند به این موضوع استناد می‌کنند که ایران پادمان هسته‌ای را اجرا نکرده است. پادمان هسته‌ای یعنی وقتی کشوری NPT را می‌پذیرد آن کشور قراردادی با آژانس می‌بندد که ترتیبات نظارتی آژانس با آن کشور را تعیین کند حالا این طرف‌های اروپایی ایران را متهم کردند که ایران پادمان هسته‌ای را زیر پا گذاشته است به استناد اینکه ایران دو سوال آژانس را در سال ۲۰۰۳ پاسخ نداده است. سوال این است که درات اورانیوم ناچیز زیر ۵ درصد در ورآمین و توروژآباد مشخص نشده در صورتی که ایران در سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ اجازه بازرسی داده بود و هیچ چیزی هم پیدا نکردند. اتفاق مهم اما زمانی است که کشورهای اروپایی قصد داشته باشند مکانیسم ماشه را فعال کنند که در چنین شرایطی ایران طی نامه‌ای قبلاً رسماً اعلام کرده از NPT خارج می‌شود که قضیه را هم برای ایران و هم طرف مقابل بسیار پیچیده می‌کند. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد نقش آژانس است که از زمانی که گروهی مدیریت آن را برعهده گرفته لحن گزارش‌های آژانس نسبت به ایران سخت‌گیرانه‌تر شده و تأکید بر عدم شفافیت جایگزین همکاری فنی گذاشته شده است. به نظر می‌رسد این تغییر لحن ناشی از فشارهای سیاسی از سوی سه کشور اروپایی و آمریکا است که به دنبال بهره‌برداری سیاسی از ابزارهای نظارتی آژانس هستند.

◀ **در واقع آژانس مسیر فعال سازی مکانیسم ماشه و حمله نظامی به ایران را به بهانه فعالیت هسته‌ای فراهم کرد؟**

بله؛ اگر بخواهیم به صورت منصفانه تحلیل کنیم دو موضوع کاملاً متفاوت از یکدیگر مطرح است. به طور مشخص اینکه کشورهای اروپایی، یعنی آلمان، انگلیس و فرانسه، به دنبال بهانه‌ای برای فعال سازی مکانیسم ماشه هستند درست است و آنها در حال بررسی بهانه‌های مختلفی هستند که یکی از آنها گزارش مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. البته نکته بسیار مهم این است که باید دقت کنیم آقای گروهی گزارشی ننوشته که صرفاً متناسب با خواسته‌های این سه کشور باشد تا آنها بهانه‌ای برای فعال سازی مکانیسم ماشه پیدا کنند. از دیدگاه آژانس ایران تنها کشور غیر هسته‌ای است که اورانیوم شصت درصد تولید می‌کند. این سطح غنی سازی از نظر فنی نزدیک به تسلیحاتی است و ریسک اشاعه دارد. براساس رعایت اصل بیطرفی از سوی مدیرکل آژانس که در اساسنامه به صراحت قید شده است مدیرکل حق تعیین نگرانی برای فعالیت‌های قانونی را ندارد. البته نگرانی آژانس درباره مکان‌های مورد بررسی که قبلاً اعلام نشده‌اند منطقی است اما سند محکمی برای اثبات انحراف ایران ارائه نشده است. موضوع اختلافی بعدی صلاحیت بازرسان آژانس است که ایران به دلیل مسائل مرتبط با صلاحیت برخی بازرسان به تعدادی از آنها ویزا نداده و به جای آنها بازرسان دیگری از ملیت‌های مختلف پذیرفته

لاهی‌های ضدایرانی و شخص رئیس‌جمهور تمایلی به توافق با ایران ندارند مگر در چارچوب تسلیم کامل. این در حالی است که در ایران بخش‌هایی از ساختار قدرت تجربه تلخ برجام را فراموش نکرده‌اند و نسبت به نیت واقعی آمریکا بی‌اعتمادند. واقعیت این است که ۴۷ سال خصومت، کودتای ۲۸ مرداد، ماجرای گروگانگیری، حمله به هواپیمای مسافربری، ترور دانشمندان ایرانی، تحریم‌های فلج‌کننده، خروج آمریکا از برجام و موارد متعدد دیگر سبب شده که دو طرف کاملاً فاقد سرمایه اعتماد باشند. من معتقدم در شرایط کنونی می‌توان اقدام در برابر اقدام به صورت تعلیق و تأییدنامه غنی‌سازی به صورت مرحله‌ای و در مقابل تعلیق تحریم‌ها و رفع انسداد از دارایی‌های ایران به صورت تدریجی و مرحله‌ای حداکثر طی یک سال اجرا تا اعتمادسازی اولیه برای اجرای بقیه مراحل فراهم شود. اگر راستی آزمایی مرحله‌ای تأیید شود تحریم‌های نفتی، بانکی و کشتیرانی آمریکا و اروپا به تدریج لغو شوند. در این مرحله ایران نیز سطح غنی‌سازی را در سقف ۴/۶۷ درصد نگه دارد و غنی‌سازی بیش از آن را متوقف کند مشروط به حفظ توان بازگشت پذیر بودن آن.

◀ **با توجه به شرایط موجود می‌توان چنین چشم‌اندازی را تصور کرد؟**

امروز ایران با مشکلی مواجه است که به سادگی قابل حل نیست اما همچنان از مرز یک جنگ تمام‌عیار عبور نکرده‌ایم. اگر ایران بتواند با طراحی یک بسته تدریجی، چندجانبه‌ای و قابل راستی‌آزمایی ابتکار عمل را به دست گیرد و در عین حال خطوط قرمز خود را حفظ کند امکان خروج از این وضعیت، بدون هزینه‌های فاجعه‌بار وجود دارد. این مسیر نیازمند پختگی سیاسی، هماهنگی درونی، دیپلماسی فعال، و شناخت دقیق از منافع و نگرانی‌های بازیگران جهانی است. سیاست اقدام در برابر اقدام نه تنها راهبردی واقع‌گرایانه بلکه تنها مسیر عملی در مواجهه با شرایط کنونی است. هرگونه توافقی که خواسته‌های حداکثری یک جانبه را دنبال کند نه تنها ناپایدار خواهد بود بلکه احتمال ورود به درگیری‌های پرهزینه را افزایش می‌دهد. برای رسیدن به توافق پایدار باید واقعیت‌های میدانی، الزامات سیاسی داخلی طرفین، و نقش بازیگران جهانی را به صورت هم‌زمان در نظر گرفت. حملات نظامی اخیر به مراکز هسته‌ای ایران بی‌سابقه در سطح هماهنگی و جسارت و نشانگر آن است که گزینه نظامی دیگر فقط ابزار بازدارنده نیست بلکه در حال تبدیل شدن به بخشی از استراتژی عملیاتی دشمن است. از سوی دیگر تهدید اروپایی‌ها به فعال سازی مکانیزم ماشه و بازگشت قطعنامه فصل هفتم می‌تواند ایران را به انزوای کامل سیاسی و اقتصادی بازگرداند و خطر صدور مجوز بین‌المللی برای استفاده از زور را افزایش دهد. همچنین تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اگر بدون برنامه دیپلماتیک جایگزین باشد جایگاه حقوقی ایران را در مجامع جهانی تضعیف خواهد کرد. من معتقدم ایران اکنون در لحظه‌ای تاریخی قرار دارد. اگر به جای انسداد سیاسی و بستن مسیر دیپلماسی بر مشارکت ملی، اقتدار مشروع، انسجام داخلی و گفت‌وگو ی هوشمندانه با جهان متمرکز کنیم می‌توانیم حتی در این شرایط سخت نه فقط از بحران عبور کنیم، بلکه موقعیت راهبردی خود را ارتقا دهیم.

از زمانی که گروهی مدیریت آن را برعهده ایران سخت‌گیرانه‌تر شده و تأکید بر عدم شفافیت جایگزین همکاری فنی گذشته شده است

شده‌اند. نظارت فنی شامل بررسی مسائل فنی مانند تعداد سانتریفوژها، وضعیت غنی‌سازی، میزان ذخایر اورانیوم و دیگر جزئیات فنی است. هدف اصلی این نظارت جلوگیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و کمک به توسعه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای برای کشورهایی است که به دنبال بهره‌برداری از این انرژی هستند. زمانی که آقای گروهی خارج از دو حوزه فنی و حقوقی اظهارنظرهای شخصی می‌کند این اقدام به عنوان سیاسی کاری تلقی می‌شود. سیاسی کاری به این معناست که مدیرکل خارج از چارچوب وظایف تعیین‌شده در اساسنامه نظرات شخصی خود را درباره موضوعات مختلف بیان می‌کند. براساس اساسنامه مدیرکل باید بی‌طرف باشد و نباید به نفع یا علیه کشوری جهت‌گیری کند. اما آقای گروهی چه در زمان معاونت پادمانی آقای البرادعی و چه در دوره کنونی که مدیرکل آژانس است، بارها مواضع منفی علیه ایران اتخاذ کرده است. این مواضع اغلب تحت تأثیر کشورهای مانند آمریکا، اسرائیل یا دیگران بوده و با وظایف ذاتی او همخوانی ندارد.

◀ **آمریکا چه نقشی در این زمینه دارد و معادلات بین ایران و آمریکا در آینده به چه سمتی خواهد رفت؟**

پس از حمله نظامی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران روابط تهران و واشنگتن وارد مرحله‌ای از تقابل مستقیم شده است. در پاسخ ایران به پایگاه نظامی آمریکا در قطر حمله موشکی کرد و همکاری خود را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعلیق نمود. آمریکا و اسرائیل صریحاً توقف کامل غنی‌سازی یا تغییر رژیم در ایران را خواستار شده‌اند در حالی که ایران تأکید کرده توقف غنی‌سازی «خط قرمز» است. این شرایط بی‌سابقه نیازمند طراحی یک چارچوب راهبردی واقع‌بینانه و مرحله‌ای است که با لحاظ عناصر بازدارندگی، اطمینان سازی و در نظر گرفتن بازیگران مؤثر امکان پذیر باشد. در آمریکا کانگره جمهوری خواه و

مدیرکل حق تعیین نگرانی برای فعالیت‌های قانونی را ندارد. البته نگرانی آژانس درباره مکان‌های مورد بررسی که قبلاً اعلام نشده‌اند منطقی است اما سند محکمی برای اثبات انحراف ایران ارائه نشده است

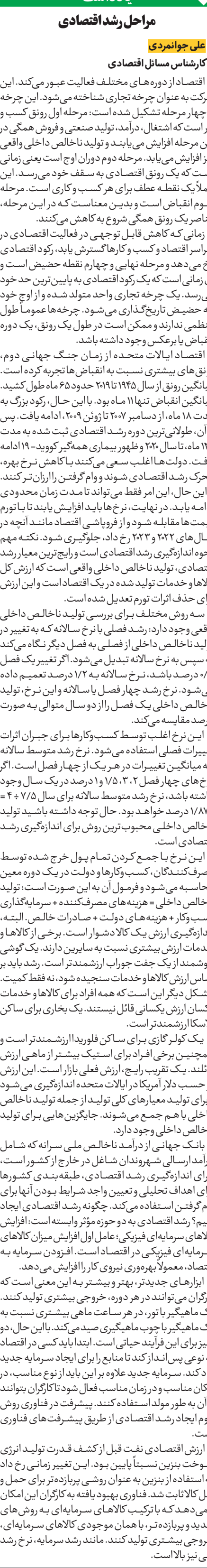
پیامدهای اقتصادی پاداش مدیریت

تحقیق و توسعه در راستای افزایش سودهای گزارش شده در کوتاه‌مدت که به دنبال آن هزینه به سهام‌دار در بلندمدت تحمیل خواهد شد. به دنبال کاهش پرداختی به مدیران، امکان اینکه مدیران تمایل به مدیریت سود داشته باشند افزایش می‌یابد زیرا منجر به بهبود سریع عملکرد شده و دریافتی‌های خود را در قالب پاداش به حالت قبلی برمی‌گردانند. در حالت کلی پیامدهای کاهش پرداختی از بابت پاداش مدیران از جنبه اقدامات مدیر و عملکرد آتی شرکت مشخص نیست.

تسویه حساب باشد و بنابراین می‌تواند منتهی به کاهش هزینه‌های نمایندگی و ارتقای عملکرد مدیر در دوره‌های بعدی باشد. طبق استدلال فاما (۱۹۸۰) کاهش پرداختی به مدیران در قالب پاداش می‌تواند عملکرد مدیر را بهبود بخشیده و به عنوان راهکاری مؤثر برای ایجاد انگیزه در مدیران ضعیف باشد. در سوی دیگر این احتمال وجود دارد که کاهش پرداختی پاداش مدیرعامل فعلی پاسخ و عکس‌العملی منفی به همراه داشته باشد. قرارداد‌های پاداش مدیران عموماً بر مبنای روند قیمت سهام و

استدلال بر این است اعضای هیات مدیره اغلب پاداش پرداختی به مدیرعامل را به دلیل عملکرد ضعیف کاهش می‌دهند و این کاهش پرداختی هافراتر از پرداخت عادی در ارتباط با عملکرد است.

فاما (۱۹۸۰) معتقد است که چنین برخوردی با مدیران در راستای عملکرد ضعیف می‌تواند به عنوان سازوکاری برای



اقتصاد از دوره‌های مختلف فعالیت عبور می‌کند. این حرکت به عنوان چرخه تجاری شناخته می‌شود. این چرخه از چهار مرحله تشکیل شده است: مرحله اول رونق کسب و کار است که اشتغال، درآمد، تولید صنعتی و فروش همگی در این مرحله افزایش می‌یابند و تولید ناخالص داخلی واقعی نیز افزایش می‌یابد. مرحله دوم دوران اوج است یعنی زمانی است که یک رونق اقتصادی به سقف خود می‌رسد. این عملاً یک نقطه عطف برای هر کسب و کاری است. مرحله سوم انقباض است و بدین معناست که در این مرحله، عناصر یک رونق همگی شروع به کاهش می‌کنند. زمانی که کاهش قابل توجهی در فعالیت اقتصادی در سراسر اقتصاد و کسب و کارها گسترش یابد، رکود اقتصادی رخ می‌دهد و مرحله نهایی و چهارم نقطه حضيض است و آن زمانی است که یک رکود اقتصادی به پایین‌ترین حد خود می‌رسد. یک چرخه تجاری واحد متولد شده و از اوج خود به حضيض تاریخ‌گذاری می‌شود. چرخه‌ها عموماً طول منظمی ندارند و ممکن است در طول یک رونق، یک دوره انقباض یا برعکس وجود داشته باشد.

اقتصاد ایالات متحده از زمان جنگ جهانی دوم، رونق‌های بیشتری نسبت به انقباض‌ها تجربه کرده است. میانگین رونق از سال ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۸ حدود ۶۵ ماه طول کشید. میانگین انقباض تنها ۱۱ ماه بود. با این حال، رکود بزرگ به مدت ۱۸ ماه، از دسامبر ۲۰۰۷ تا ژوئن ۲۰۰۹، ادامه یافت. پس از آن، طولانی‌ترین دوره رشد اقتصادی ثبت شده به مدت ۱۲۸ ماه، تا سال ۲۰۲۰ و ظهور بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ ادامه یافت. دولت‌ها اغلب سعی می‌کنند با کاهش نرخ بهره، محرک رشد اقتصادی شوند و وام گرفتن را ارزان‌تر کنند. با این حال، این امر فقط می‌تواند تا مدت زمان محدودی ادامه یابد. در نهایت، نرخ‌ها باید افزایش یابند تا با تورم قیمت‌ها مقابله شود و از فروپاشی اقتصاد مانند آنچه در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ رخ داد، جلوگیری شود. نکته مهم نحوه اندازه‌گیری رشد اقتصادی است و رایج‌ترین معیار رشد اقتصادی، تولید ناخالص داخلی واقعی است که ارزش کل کالاها و خدمات تولید شده در یک اقتصاد است و این ارزش برای حذف اثرات تورم تعدیل شده است.

به روش مختلف برای بررسی تولید ناخالص داخلی واقعی وجود دارد: رشد فصلی با نرخ سالانه که به تغییر در تولید ناخالص داخلی از فصلی به فصل دیگر نگاه می‌کند که سپس به نرخ سالانه تبدیل می‌شود. اگر تغییر یک فصل ۰/۳ درصد باشد، نرخ سالانه به ۱/۲ درصد تمیم داده می‌شود. نرخ رشد چهار فصل یا سالانه و این نرخ تولید ناخالص داخلی یک فصل را از دو سال متوالی به صورت درصد مقایسه می‌کند.

این نرخ اغلب توسط کسب و کارها برای جبران اثرات تغییرات فصلی استفاده می‌شود. نرخ رشد متوسط سالانه که میانگین تغییرات در هر یک از چهار فصل است. اگر نرخ‌های چهار فصل ۷۵، ۳۰، ۲ و ۱ درصد در یک سال وجود داشته باشد، نرخ رشد متوسط سالانه برای سال ۷/۵ + ۴ = ۱۸/۷۵ درصد خواهد بود. حال توجه داشته باشید تولید ناخالص داخلی محبوب‌ترین روش برای اندازه‌گیری رشد اقتصادی است.

این نرخ با جمع کردن تمام پول خرج شده توسط مصرف‌کنندگان، کسب و کارها و دولت در یک دوره معین محاسبه می‌شود و فرمول آن به این صورت است: تولید ناخالص داخلی = هزینه‌های مصرف‌کننده + سرمایه‌گذاری کسب و کار + هزینه‌های دولت + صادرات خالص. البته، اندازه‌گیری ارزش یک کالا دشوار است. برخی از کالاها و خدمات ارزش بیشتری نسبت به سایرین دارند. یک گوشی هوشمند از یک جفت جوراب ارزشمندتر است. رشد باید بر اساس ارزش کالاها و خدمات سنجیده شود، نه فقط قیمت. مشکل دیگر این است که همه افراد برای کالاها و خدمات یکسان ارزش یکسانی قائل نیستند. یک بخاری برای ساکن آلاسکا ارزشمندتر است.

یک کوئلر گازی برای ساکن فلوریدا ارزشمندتر است و همچنین برخی افراد برای استیک بیشتر از ماهی ارزش قائلند. یک تقریب رایج، ارزش فعلی بازار است. این ارزش بر حسب دلار آمریکا در ایالات متحده اندازه‌گیری می‌شود و برای تولید معیارهای کلی تولید از جمله تولید ناخالص داخلی با هم جمع می‌شوند. جایگزین‌هایی برای تولید ناخالص داخلی وجود دارد.

بانک جهانی از درآمد ناخالص ملی سرانه که شامل درآمد ارسانی شهروندان شاغل در خارج از کشور است، برای اندازه‌گیری رشد اقتصادی، طبقه‌بندی کشورها برای اهداف تحلیلی و تعیین واجد شرایط بودن آنها برای وام گرفتن استفاده می‌کند. چگونه رشد اقتصادی ایجاد کنیم؟ رشد اقتصادی به دو حوزه مؤثر وابسته است: افزایش کالاهای سرمایه‌ای فیزیکی؛ عامل اول افزایش میزان کالاهای سرمایه‌ای فیزیکی در اقتصاد است. افزودن سرمایه به اقتصاد، معمولاً بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد. ابزارهای جدیدتر، بهتر و بیشتر به این معنی است که کارگران می‌توانند در هر دوره، خروجی بیشتری تولید کنند. یک ماهیگیر با تور، در هر ساعت ماهی بیشتری نسبت به یک ماهیگیر با چوب ماهیگیری صید می‌کند. با این حال، دو چیز برای این فرآیند حیاتی است. ابتدا باید کسی در اقتصاد به نوعی پس‌انداز کند تا منابع را برای ایجاد سرمایه جدید آزاد کند. سرمایه جدید علاوه بر این باید از نوع مناسب، در مکان مناسب و در زمان مناسب فعال شود تا کارگران بتوانند از آن به طور مولد استفاده کنند. پیشرفت در فناوری روش دوم ایجاد رشد اقتصادی از طریق پیشرفت‌های فناوری است.

ارزش اقتصادی نفت قبل از کشف قدرت تولید انرژی سوخت‌نرین نسبتاً پایین بود. این تغییر زمانی رخ داد که استفاده از بنزین به عنوان سوخت پربازده‌تر برای حمل و نقل کالا ثابت شد. فناوری بهبود یافته به کارگران این امکان را می‌دهد که با ترکیب کالاهای سرمایه‌ای به روش‌های جدید و پربازده‌تر، با همان موجودی کالاهای سرمایه‌ای، خروجی بیشتری تولید کنند. مانند رشد سرمایه، نرخ رشد فنی نیز بالا است.

حسن چناری
کارشناس مالی، بانکی
و مدرس دانشگاه

